

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تهیه و تنظیم از: مریم
۲۸ مارچ ۲۰۱۷

هشدار رئیس بانک انگلستان در رابطه با "خطر شبیح کمونیسم" !

در روز ۶ دسمبر ۲۰۱۶، رئیس بانک انگلستان، مارک کارنی (Mark Carney) (۱) اولین سخنرانی مهم خود بعد از فرمانم بریگزیت (۲) را در دانشگاه "جان مورز" (John Moores University) در شهر لیورپول ایراد کرد. با نگاهی به سخنان کارنی به مثابه یکی از کارگزاران مهم سرمایه داری جهانی، می بینیم که چرا در سال های اخیر قدرت های امپریالیستی بیش از پیش از رشد آگاهی و تمایل طبقه کارگر جهانی به سوسیالیسم وحشت دارند.

کارنی در ابتداء در توصیف سخنرانی خود (که عنوان آن "شیخ سیاست پولی" بود) گفت که سخنانش "در باره نابرابری و سیاست پولی" است. اما نگاهی به سخنرانی کارنی نشان می دهد که "روح" حاکم بر سخنرانی او، نه سیاست پولی، بلکه خطر سوسیالیسم بود. کارنی در موقع سخنرانی، جلوی تصویر بزرگی از مارکس و کتاب سرمایه (که با پروژکتور روی دیوار انداخته بودند) ایستاده بود. او سخنان خود را این طور شروع کرد که درآمدهای واقعی در دهه گذشته سقوط کرده و میراث یک "بحران مالی آتشنا" بر اعتماد به نفس و توسعه، سنگینی می کند، و ماهیت کار "توسط انقلاب تکنولوژیک دچار اختلال شده است". او سپس گفت که این جملات توصیف کننده شرایط قرن ۲۱ نیست، بلکه در مورد "اواسط قرن ۱۹ و زمانی است که کارل مارکس در کتابخانه بریتانیا چکنویس کتابش را می نوشت و در رابطه با شبیحی بر فراز اروپا، شبیح کمونیسم، هشدار می داد".

کارنی با مقایسه وضعیت کنونی سرمایه داری و دوره بحران انقلابی که در سال ۱۸۴۸ گریبان گیر اروپا شده بود (سالی که مارکس و انگلس مانیفست کمونیست را منتشر کردند) تصویری از دوران کنونی ترسیم کرد و به این واقعیت اشاره کرد که در طی ۲۵ سال گذشته "اختلالات عمیقی در ماهیت و چگونگی کار، تجارت، مصرف و زندگی" ایجاد شده است.

او ادامه داد که سقوط دیوار برلین و اصلاحات سرمایه داری توسط دنگ شیائوپینگ منجر به "ادغام یک سوم از جمعیت جهان در نیروی کار (ارزان) جهانی" شد. کارنی با اشاره به تعریف بانک جهانی از خط فقر - که به درآمد کمتر از ۱/۹۰ دلار در روز اطلاق می شود - ادعا کرد که "عمیق تر شدن همزیستی بازارهای جهانی و پیشرفت های تکنولوژی بیش از یک میلیارد نفر را از فقر خارج کرده است". او در ادامه گفت که به جای این که این به اصطلاح فراوانی ثروت یک "عصر طلایی جدید" به ارمغان بیاورد، به عکس "جهانی شدن، با دستمزدهای پائین، ناامنی

شغلی، شرکت های فراملیتی، و نابرابری های اقتصادی - طبقاتی عمیق همراه بوده است". او سپس هشدار داد که "حمایت جامعه از بازارهای آزاد در معرض خطر است".

او در یک مقایسه دیگر بین شرایط امروز و قرن ۱۹، نموداری را نشان داد که بیانگر سقوط دستمزدها در زمان حال و دهه ۱۸۶۰ در بریتانیا بود. کارنی اعتراف کرد که سقوط درآمد شامل سرمایه داران بزرگ نبوده و "در کشورهای آنگلو ساکسون، سهم درآمد یک درصد از افراد بالایی جامعه به ویژه از سال ۱۹۸۰ تا به امروز افزایش یافته است. در ایالات متحده، درآمد یک درصد از ثروتمندترین خانواده ها، ۲۰ درصد از درآمد کل کشور است. این نابرابری ممکن است در دوران رشد رفاه عمومی تحمل شود، اما در دوره رکود اقتصادی با شدت بیشتری احساس می شود". این تفاوت درآمد طبقاتی در مقایسه با تفاوت ثروت و دارایی طبقات ناچیز است. به عنوان مثال ثروت یک درصد از ثروتمندترین افراد جهان در سال ۲۰۰۰ برابر با یک سوم کل ثروت جهان بود که این رقم در سال ۲۰۱۰ به نصف ثروت جهان رسید.

کارنی سپس به تأثیر طولانی مدت "تغییر جهت ساختاری" که در دولت تاجر انجام شد (به عنوان مثال به خصوصی سازی دارایی های عمومی و اقتصاد مالی) اشاره کرد. او اقرار کرد که سرمایه داری، یک نسل کامل از جوانان را به بیکاری، دستمزدهای پائین و مشاغل مخاطره آمیز محکوم کرده است. رکود اقتصاد سرمایه داری تأثیرهای متفاوتی روی آینده جوانان طبقات مختلف می گذارد و "جوانان طبقات مرفه غالباً به مرور زمان به رکود اقتصادی غالب شده و آینده اقتصادی خوبی خواهند داشت، اما تأثیر منفی بحران اقتصادی روی زندگی و آینده جوانان طبقات فقیر برای همیشه ماندگار است". کارنی ادامه داد که "ترکیب بازار آزاد و فناوری بدان معنا است که بازدهی در دنیای اقتصاد جهانی، سود بزرگترین سرمایه دارها را [یعنی همان ۱۰ درصدی هائی که کارنی برایشان صحبت می کرد] را شدیداً افزایش می دهد".

در نتیجه، بر اساس سخنان کارنی به مثابه یکی از مهره های امپریالیسم، در حال حاضر، دنیا بر وفق مراد بالایی ها می چرخد. اما طبقات پائینی جامعه چی؟ ببینیم کارنی در این رابطه چه گفته. کارنی در سخنرانی خود گفت که "برای این که تجارت آزاد به نفع همه باشد، باید به توزیع مجدد پرداخت... باید به سمت رشد فراگیر حرکت کنیم. جائی که هر کس سهمی در جهانی شدن دارد".

در توصیف "توزیع مجدد" و دیگر رجزخوانی های خود، کارنی اعلام کرد که باید در "ترکیب سیاست های پولی، سیاست های مالی و اصلاحات ساختاری" توازن ایجاد شود و "به سمت رشد فراگیرتر حرکت کرد تا همه سهمی از جهانی شدن ببرند، در غیر این صورت، تعجب آور نخواهد بود که مردم هیچ حرفی در رابطه با فضائل بازار آزاد و فن آوری جدید را باور نکنند".

آن چه که "توازن" مورد نظر کارنی را تشکیل می دهد، شامل مواردی است که در ابتداء برای دفاع از سابقه خود کارنی به عنوان مسوول بانک مرکزی انگلستان، شکل گرفت. کاهش نرخ بهره تا نزدیک صفر، و تقدیم میلیاردها دلار به بانک ها و بازارهای سهام تحت عنوان "کاهش کمی" (quantitative easing) که کارنی ادعا کرد که منجر به اجتناب از "بیکاری های گسترده و کاهش قیمت بدهی" شده است. سپس کارنی سؤال کرد که "پس چرا این روزها شبیه به روزهای خوب قدیم نیست؟" او در پاسخ گفت که "از آن جا که بهره وری بهبود نیافته، دستمزدهای واقعی کمتر از دهه گذشته شده است، در نتیجه، اضطراب در مورد آینده افزایش یافته است".

این تنها چیز هائی بود که کارنی در رابطه با سرنوشت طبقه کارگر و جوانان، در سخنرانی خود بیان کرد. کارنی در عوض، سیاست هائی را پیشنهاد کرد که به ادعای او ثروت شرکت های کوچک و متوسط را احیاء خواهند کرد.

معمولاً در محافل حاکم ، نقش شوالیه های اقتصادی به سرمایه های کوچک و متوسط داده می شود تا هر زمان که شورش های اجتماعی از کنترل خارج شدند و سرمایه های بزرگ را تهدید نمودند ، این شوالیه ها در پوشش "نجات" توده های مردم مضطرب به صحنه بیایند.

کاری سپس سؤال کرد که "مگر نه این که G20 به دنبال تسهیل ورود سرمایه های کوچک و متوسط در تجارت آزاد جهانی است؟ مگر نه این که این موضوع ، چشم انداز یک تجارت جهانی همه جانبه تر و کامل تر ، تجارتی که فرد در مرکز آن قرار دارد، را به وجود می آورد؟"

هر فرد آگاه که خصوصیات ذاتی امپریالیسم را می شناسد ، می داند که پاسخ به این سؤال کاری ، در واقع این است که خود سؤال و منظور کاری از طرح این سؤال ، چیزی نیست جز ادعای محض و چرندیاتی عوام فریب.

ادعاهائی مثل "توزیع مجدد" و "نوعی از جهانی شدن که برای همه کار کند" و "فرم جامع تر تجارت جهانی" نه بر اساس واقعیات سرمایه داری جهانی در دوران معاصر است ، و نه بر اساس تحولات پس از نوشته شدن کاپیتال ، یعنی تحولاتی که سخنان مارکس را تأیید می کردند که گفت "سرمایه می آید، در حالی که از سر تا پای آن ، از هر منفذش، خون و کثافت می ریزد".

از قرن بیستم تا کنون ، تمام جهان به عرصه رقابت های خصمانه میان قدرت های بزرگ سرمایه داری تبدیل شده است. لنین صد سال پیش ، در ۱۹۱۶ در کتاب "امپریالیسم به مثابه بالاترین مرحله سرمایه داری" فرایند های اقتصادی که به این وضعیت منجر شده را به روشنی شرح داد. او در کتاب خود، این خیال واهی را که سرمایه داری می تواند در مرحله امپریالیستی به نوع جدیدی از رقابت آزاد برگردد (آن چه که کاری در سخنرانی اش ادعا کرد) که در آن ، سیستم اقتصادی سرمایه داری برای سرمایه های کوچک و متوسط عادلانه بشود و یا حتی اصلاحاتی را برای بهتر کردن وضعیت کارگران و جوانان بپذیرد ، افشاء کرد.

در زمان کشتار جنگ جهانی اول که جان حداقل ۱۷ میلیون نفر را گرفت و بیش از ۲۰ میلیون زخمی به جای گذاشت ، لنین نوشت "امپریالیسم دوران سرمایه مالی و انحصارات است" سرمایه مالی که خواستار سیادت است و نه آزادی. توسعه انحصارات همراه با "تقسیم جهان عبارتست از پایان آن سیاست استعماری که بلا مانع در مناطقی بسط می یافت که از طرف هیچ دولت سرمایه داری اشغال نشده بود و انتقال به سیاست استعماری تصاحب انحصاری سرزمین هائی از جهان که کاملاً تقسیم شده اند" بود. تنها راهی که از طریق آن ، جهانی که به طور کامل تقسیم شده می توانست دوباره تقسیم شود ، جنگ بود. از ۱۹۱۴ مبارزه شدید قدرت های بزرگ امپریالیستی در طول ۲۵ سال ، جهان را به دو جنگ جهانی کشاند که جمعاً جان بیش از ۸۰ میلیون نفر از مردم جهان را گرفتند. دوران رکود عظیم اقتصادی در سال های بین دو جنگ نیز زندگی میلیون ها نفر دیگر را نابود کرد.

سیاست های اقتصادی که کاری در سخنرانی خود تبلیغ کرد ، در یک دوره نسبتاً کوتاه پس از جنگ جهانی دوم دنبال شد. اما عملاً ثابت شد که آن سیاست ها قادر به غلبه بر جوهر ارتجاعی و خصوصیات ذاتی امپریالیسم ، سیستمی که مبتنی بر استثمار و حشیانه طبقه کارگر جهانی و توده های تحت ستم است ، نیستند. به عنوان مثال ، همزمان که سیاست مدار های سرمایه داری فراخوان حمایت از تولیدات داخلی سر می دهند ، آماده سازی برای جنگ تجاری و یک جنگ جهانی جدید نیز، صورت می گیرد. در چنین شرایطی ، طبقه حاکم به خوبی می داند که ادعاهای کاری و به اصطلاح فراخوان او برای پیاده کردن سیستم سرمایه داری جهانی که "برای همه کار کند" دروغی بیش نیست. چنین دروغ هائی تلاش هائی عوام فریبانه برای ایجاد توهم نسبت به سیستم سرمایه داری جهانی و عقب انداختن سوسیالیسم به عنوان تنها راه نجات از نظام ظالمانه حاکم می باشد.

بهمن [دلو] ۱۳۹۵

زیرنویس ها:

۱- Mark Carney

۲- Brexit : رفراندومی که در ۲۳ جون ۲۰۱۶ به منظور تصمیم گیری در رابطه با جدا شدن انگلستان از اتحادیه اروپا ، در انگلستان برگزار شد. کلمه Brexit از ترکیب دو کلمه بریتانیایی (British) و خروج (exit) درست شده است.

به نقل از : پیام فدائی ، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۱۲ ، بهمن ماه ۱۳۹۵